



Scientific Journal

Journal of Research in Educational Systems

Volume 16, Issue 59,
Pp. 95-107
Winter 2023

Print ISSN: 2383-1324

Online ISSN: 2783-2341

Indexed by ISC

www.jiera.ir



Journal by
Research in Educational
Science is licensed under a
Creative Commons
Attribution-
NonCommercial 4.0
International License.

Document Type:
Original Article

✉ Corresponding Author:
m.babaie@cfu.ac.ir

Receive Date: 30 Nov. 2022

Revise Date: 21 Dec. 2022

Accept Date: 31 Dec. 2022

Publish Date: 05 Jan. 2023

How to Site: Babaee, M., Azagh, H., & yazdanpanh, S. (2023). Mirzaha's lived experiences from "Mirzaha's educational system" in terms of method, goal and educational content and comparing it with "primary education system". *Journal of Research in Educational Science*, 16(59), 95-107.

doi: 20.1001.1.23831324.1401.16.59.6.9

Mirzaha's lived experiences from "Mirzaha's educational system" in terms of method, goal and educational content and comparing it with "primary education system" *

Mazhar Babaee ✉

Assistant Professor, Educational Sciences Dept., Farhangian University, Sanandaj, Iran.

Hedyeh Azagh

Bachelor of Educational Sciences, Farhangian University. Sanandaj, Iran

Shima Yazdanpanah

Bachelor of Educational Sciences, Farhangian University. Sanandaj, Iran

Abstract

The aim of the current research was to analyze the lived experiences of the Mirzas in the primary education system before the revolution from the point of view of their educational method, educational goal and educational content. In order to achieve this goal, a qualitative approach and the methods of document-library research, phenomenology and biographical research were used. The research population included all the graduates of the Mirza elementary education system in Kurdistan province, and 10 of them were selected using available sampling until reaching the saturation level. The findings were divided into three categories: method, goal, and educational content. In the field of educational methods, both systems have commonalities in the presence of educational obstacles and educational injustice, and it is challenging to recognize the learning styles of learners. In the target area, "Educational System of the Mirzas", its goal was to make literate which means the ability to read and write. In the "current primary education system", only the field of knowledge is not enough and reading and writing are necessary tools to reach the capacity and capabilities of every student. In the field of educational content, in the "Educational System of the Mirzas", the content was mainly in the field of knowledge and at the level of designated books. In the "current elementary education system", in addition to book contents, needs assessment is done and according to teachers, educational materials, content production and educational design are done

Keywords:

elementary education, educational method, educational content, Mirza, educational system, educational goal

* The present article is an independent research



نشریه علمی

پژوهش در نظام‌های آموزشی

دوره ۱۶، شماره ۵۹،
ص ۹۵-۱۰۷
زمستان ۱۴۰۱

شاپا (چاپی): ۱۳۲۴-۲۳۸۳

شاپا (الکترونیکی): ۲۳۴۱-۲۷۸۳

نمایه در ISC

www.jiera.ir



پژوهش در نظام های آموزشی تحت قانون
بین المللی کپی رایت Creative
Commons: BY-NC می باشد.

نوع مقاله:

مقاله اصیل پژوهشی

✉ نویسنده مسئول:

m.babaie@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

استناد به این مقاله: بابایی، م.، ازغ، ه. و یزدان پناه،

ش. (۱۴۰۱). تجارب زیسته‌ی «میرزاها» از «نظام

آموزشی میرزاها» از منظر روش، هدف و محتوای

آموزشی و مقایسه آن با «نظام آموزش ابتدایی».

پژوهش در نظام های آموزشی، ۱۶(۵۹)، ۹۵-۱۰۷.

doi: 20.1001.1.23831324.1401.16.59.6.9

تجارب زیسته‌ی «میرزاها» از «نظام آموزشی میرزاها» از منظر روش، هدف و محتوای آموزشی و مقایسه آن با «نظام آموزش ابتدایی» *

مظهر بابایی ✉

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سنج، ایران

هدیه ازغ

کارشناس علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سنج، ایران

شیمایزدان پناه

کارشناس علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سنج، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل تجارب زیسته‌ی میرزاها در نظام آموزش ابتدایی قبل از انقلاب از منظر روش آموزشی، هدف آموزشی و محتوای آموزشی آن‌ها بود. جهت دست‌یابی به این هدف از رویکرد کیفی و روش‌های پژوهش اسنادی-کتابخانه‌ای، پدیدارشناسی و سرگذشت پژوهی بهره برده شد. جامعه پژوهش شامل تمام فارغ‌التحصیلان نظام آموزش ابتدایی میرزاها در استان کردستان بود که با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۱۰ نفر از آنان تا رسیدن به درجه اشباع انتخاب شدند. یافته‌ها در سه دسته روش، هدف و محتوای آموزشی تقسیم شدند. در حوزه‌ی روش آموزشی، هردو نظام در وجود موانع تحصیلی و بی‌عدالتی آموزشی مشترکاتی دارند و شناخت سبک‌های یادگیری فراگیران دچار چالش است. در حوزه‌ی هدف، «نظام آموزشی میرزاها» هدفش باسوادکردن به معنی توانایی خواندن و نوشتن بود. در «نظام آموزش ابتدایی کنونی» تنها حیطه دانشی کافی نیست و خواندن و نوشتن ابزار لازم برای رسیدن به ظرفیت و قابلیت‌های وجودی هر دانش‌آموز است. در حوزه‌ی محتوای آموزشی، در «نظام آموزشی میرزاها» محتوا عمدتاً در حیطه دانشی و در سطح کتاب‌های تعیین شده بود. در «نظام آموزش ابتدایی کنونی» علاوه بر محتواهای کتابی، نیازسنجی صورت می‌گیرد و به تشخیص معلمان مواد آموزشی، تولید محتوا و طراحی آموزشی صورت می‌گیرد. نتیجه گرفته شد که دانش‌آموخته‌های نظام آموزشی میرزاها از این آموزش و تربیت رضایت نداشته و طبق اصول تربیتی دارای نواقصی بوده و ایده‌پردازان حوزه تعلیم و تربیت برای تقویت نظام آموزش و پرورش کنونی باید از نقاط ضعف و قوت این نظام بهره ببرند.

واژه‌های کلیدی:

آموزش ابتدایی، روش آموزشی، محتوای آموزشی، میرزا، نظام آموزشی، هدف آموزشی

* مقاله حاضر به‌صورت پژوهشی مستقل انجام شده است.

مقدمه

امروزه تعلیم و تربیت از دشوارترین، ظریف‌ترین و پرثمرترین امور انسانی است که ثمره نهایی آن دیر به بار می‌نشیند (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۱). به همین دلیل در گستره تاریخ نهاد آموزش در بین نهادهای گوناگون اجتماعی اهمیت و جایگاه والتری داشته است (آتشک، ۱۳۸۸). «ضرورت توجه به سیر تحولات آموزش و پرورش این است که اولاً هرگونه اقدام در جهت اصلاح و بهبود امور فرهنگی مستلزم آن است که سوابق امور و پیشینه‌ی آن مورد مطالعه قرار گیرد. در غیر این صورت، نمی‌توان تصمیم عاقلانه‌ای اتخاذ کرد. ثانیاً، بدون آگاهی از رویدادهای آموزش و پرورش دیروز، شناخت ویژگی‌های نظام آموزشی امروز و مسائل مربوط به آن ممکن نخواهد بود» (آقازاده و آرمند، ۱۳۹۲).

آموزش از گذشته تا حال به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی اثرگذار در تحقق اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش مؤثری ایفا کرده است (اسدپور، ۱۳۹۷) و در فراهم کردن زمینه تکامل و رشد آدمی اهمیت بسیاری دارد؛ بنابراین، نهادها و نظام‌های آموزش و پرورش را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین عنصر در رشد و بالندگی و توسعه همه‌جانبه جوامع مختلف به حساب آورد (سمیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹) که نقش و مسئولیت خطیری برعهده دارند. «شواهد بسیاری دال بر آن است که این مسئولیت رفته‌رفته دشوارتر می‌شود» (علاقه‌بند، ۱۳۹۰). یکی از این مسئولیت‌ها، «مسئله مبارزه با بی‌سوادی و گسترش آموزش و پرورش عمومی است که از مسائل عمده‌ای است که مورد توجه کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است» (صافی، ۱۳۹۳).

در این راستا، بخش عمده‌ای از آموزش را آموزش بزرگ‌سالان تشکیل می‌دهد. سیمپسون^۱ در تعریف جامعی از آموزش بزرگ‌سالان آورده است: «آموزش بزرگ‌سالان کوشش آگاهانه‌ی جامعه است که از طریق مؤسسات عمومی یا سازمان‌های داوطلب برای اعتلای سطح آگاهی افراد جامعه به عمل می‌آید.» بر اساس این تعریف، آموزش بزرگ‌سالان عبارت است از هرگونه فعالیت‌تی که سبب نوعی تغییر، اصلاح و پیشرفت در افراد بزرگ‌سال اجتماع گردد (شیخی، ۱۳۸۳).

آموزش بزرگ‌سالان یک پدیده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که بر انواع محیط‌های مختلف از خانواده تا محل کار و ... تأثیرگذار است (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ از این رو «هدف از آموزش بزرگ‌سالان باید از انتقال صرف دانش به گسترش توانایی فرد برای یادگیری تغییر یابد» (صباغیان و اکبری، ۱۳۹۵).

بدون شک امروزه در نظام آموزش و پرورش رسمی هر کشوری مقطع ابتدایی هم به لحاظ کمی، یعنی تعداد معلمان و دانش‌آموزان و هم از لحاظ کیفی، یعنی تأثیری که این دوره در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در سراسر زندگی و دوران تحصیلی دارد، از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مقاطع تحصیلی است و به جرأت می‌توان گفت هیچ‌یک از دوره‌های تحصیلی از چنین اهمیتی برخوردار نیستند (سمیعی درونه، ۱۳۹۴). این دوره در نظام آموزشی کنونی برای کودکان اجباری است و «مهم‌ترین هدف‌های آموزش و پرورش در آن ایجاد مهارت‌های اصلی چون نوشتن، خواندن، حساب کردن و استدلال نمودن است و علاوه بر آن، شکوفا کردن استعدادهای دانش‌آموزان و ایجاد عاداتی چون هنر گوش دادن، سخن گفتن و مشاهده نمودن در کودکان را می‌توان از جمله هدف‌های دیگر این دوره ذکر کرد» (آقازاده، ۱۳۹۰).

بنابراین با توجه به این که بخشی از نظام آموزشی کنونی را بزرگ‌سالانی تشکیل می‌دهند که خروجی نظام آموزشی قدیم می‌باشند و از وضعیت تربیتی و آموزشی آن آگاهی و معلومات بالارزشی در اختیار دارند، لذا استفاده از معلومات آن‌ها و بررسی وضعیت و سطح سواد و آگاهی آن‌ها به منظور شناخت شیوه‌ها و روش‌های آموزشی آن دوره ضروری می‌نماید. بدین منظور که اقدامی اثربخش در راستای بهبود و اصلاح وضع کنونی آموزش و پرورش واقع شود. چراکه آگاهی از وضعیت آموزشی دوره‌های قبل فرصتی در اختیار می‌گذارد تا با آگاهی از سیر تحوّل این دوره‌ها و شناخت نقاط قوت و ضعف و میزان بازدهی آن‌ها، نسبت به تحوّل نظام آموزشی کنونی اقدام نمود. از طرفی، «مهم‌ترین دوره تحصیلی در همه‌ی نظام‌های آموزش و پرورش جهان دوره ابتدایی محسوب می‌شود؛ زیرا شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه فرد بیشتر در این دوره انجام می‌گیرد» (صافی، ۱۳۹۳). از این رو بررسی وضعیت

1. Simpson

و تبیین معنای میرزا پرداخته شد. در گام دوم با بهره بردن از روش مورد پژوهی از نوع چند موردی مصاحبه‌شوندگان شناسایی شدند؛ چراکه در این پژوهش، میرزاها به صورت «مورد» لحاظ شده‌اند. هم‌چنین در ادامه با کمک روش سرگذشت پژوهی، سوالات پژوهش در پی فهم و دریافت سرگذشت آموزشی این قشر در سه حوزه‌ی روش آموزشی، هدف آموزشی و محتوای آموزشی بود. میدان پژوهش شامل بزرگسالان آموزش‌دیده «نظام آموزشی میرزاها» در استان کردستان بود که با استفاده از نمونه-گیری در دسترس و تا رسیدن به درجه اشباع، یعنی ۱۰ نفر شناسایی شدند. مصاحبه‌شوندگان شامل دو زن و هشت مرد در بازه‌ی سنی بین ۴۰ تا ۸۰ می‌باشند و حداقل تحصیلات آن‌ها شش‌پایه‌ی نظام آموزشی قدیم است و بعضی نیز با توجه به ادامه تحصیل، هم‌اکنون در سطح تحصیلات دیپلم، کاردانی و کارشناسی بودند که برخی از آن‌ها اکنون کارمند و کشاورز هستند و بعضی نیز در این خصوص مطلبی عنوان نکردند. لذا با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه‌حضوری گزینه‌ی مناسب‌تری به نظر آمد. هم‌چنین به‌منظور رعایت مسائل اخلاقی ابتدا از آنان اجازه‌ی ضبط صدا گرفته شد و به همه آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه مانده و صرفاً جهت انجام پژوهش استفاده می‌شود. سپس با استفاده از ابزار مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته‌ی محقق ساخته، به بررسی وضعیت آموزشی این نظام پرداخته شد. در مرحله بعد به پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و سپس تحلیل و دسته‌بندی پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان اهتمام شد. با توجه به واحد ثبت که متن مصاحبه‌ها بود به مقوله‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخته شد. در گام سوم و نهایی به مقایسه این نوع نظام آموزشی با «نظام آموزش ابتدایی کنونی» پرداخته شد. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش و اطمینان از دقیق‌بودن یافته‌ها اقدامات زیر انجام گرفت: ۱. بازنگری و بازناندیشی اسناد در پژوهش توسط پژوهشگران؛ پژوهشگران مدت زیادی را صرف بازنگری اسناد و متن مصاحبه‌ها و تحلیل محتوای پاسخ‌های ارائه شده در این پژوهش کرده و تا حد امکان تلاش شده تا سوگیری و پیش‌داوری پژوهشگران کنترل شود. ۲.

فارغ‌التحصیلان دوره‌ی آموزش ابتدایی میرزاها اطلاعات زیادی از وضعیت دوره‌های گذشته در اختیار می‌گذارد تا با کندوکاو در وضعیت آموزشی و تربیتی که در این دوره صورت گرفته خروجی، نتایج و پیامدهایی که به دنبال داشته بررسی شود تا با مقایسه با نظام آموزش ابتدایی کنونی نسبت به اثربخش بودن یا نبودن شیوه‌های آموزشی و تربیتی اتخاذ شده آگاهی کسب کرد و در جهت ارتقای نظام آموزشی ابتدایی که اساس آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد گامی مؤثر برداشت. لازم به ذکر است که علی‌رغم اهمیت این مسئله اقدام چشم‌گیری صورت نگرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر، به تحلیل تجارب زیسته‌ی میرزاها از منظر روش، هدف و محتوای آموزشی نظام آموزش ابتدایی میرزا می‌پردازد. لذا پرسش‌های زیر مطرح می‌گردند: ۱- با توجه به نگرش میرزاها، وضعیت «نظام آموزشی میرزاها» از جنبه‌های روش آموزشی، هدف آموزشی و محتوای آموزشی را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟ ۲- چگونه می‌توان وضعیت «نظام آموزشی میرزاها» را از منظرهای روش آموزشی، هدف آموزشی و محتوای آموزشی با «نظام آموزش ابتدایی کنونی» مقایسه نمود؟

روش

هدف پژوهش حاضر، تحلیل دیدگاه فارغ‌التحصیلان «نظام آموزشی میرزاها» از جنبه‌های روش آموزشی، هدف آموزشی و محتوای آموزشی و مقایسه آن با «نظام آموزش ابتدایی کنونی» است. بر این اساس، به‌منظور دستیابی به این هدف، از روش‌های پژوهش توصیفی-تحلیلی، اسنادی-کتابخانه‌ای، موردپژوهی از نوع چند موردی و سرگذشت پژوهی بهره برده شد. با توجه به این‌که در سرگذشت پژوهی پژوهش درباره شناخت گذشته و حال یک فرد خاص است، لذا در این پژوهش به شناخت وضعیت میرزاها در نظام آموزش ابتدایی قدیم پرداخته می‌شود.

پژوهش در چند گام انجام شد. در گام نخست، با بهره‌گیری از مراحل روش اسنادی-کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع معتبر و مرتبط در قسمت ادبیات و پیشینه پژوهش به تبیین چارچوب نظری پژوهش و توصیف

می‌کردند بعضی‌ها فقط خودشان همه‌کاره کلاس بودند.» این مطلب را مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۵ تأیید کرد.

تدریس فقط در سطح کتاب: اکتفا به فعالیت‌های یادگیری کتاب و روش‌های یکنواخت و تکراری، سبب ضعیف بودن یادگیری و عدم اثربخشی آموزش می‌شود. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۴ بیان کردند: «مدیر^۱ همان ابتدا پای تابلو می‌رفت و سؤالات را می‌نوشت و می‌گفت جواب سؤالات را بدهید بعد در کتاب می‌نویسید. ما هم یکی‌یکی پای تابلو می‌رفتیم.»

استفاده از تنبیه بدنی: یکی از روش‌هایی که معلمان برای تدریس و آموزش به کار می‌بردند تنبیه فیزیکی و بدنی بود که بسیار رایج بود. در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۸ اظهار داشت: «تنبیه بچه‌هایی که تنبل بودند به این شکل بود که سیلی می‌خوردند یا با چوب کف دستشان را می‌زدند و یا دستشان را چند ساعت داخل برف می‌کردند که دستشان یخ می‌بست و مورمور می‌شد. معلم از هر کس که درس را می‌پرسید باید حتماً جواب می‌داد و درس را بلد باشد و حتی اگر جزو دانش‌آموزان زرنگ هم می‌بود ولی یک لغت هم نمی‌دانست شلاق به کف دستش می‌خورد.» این گفته‌ها را همه مصاحبه‌شونده‌ها تأیید کردند.

اطلاع به اولیا به عنوان تنبیه: یکی دیگر از کارهایی که معلمان آن دوره استفاده می‌کردند اطلاع دادن به اولیا و ترساندن دانش‌آموز بود. در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان داشت: «به پدر مادر دانش‌آموز می‌گفتند که نصیحتش کنید و کمکش کنید. البته تنبیه بسیار رایج بود. ابتدا به خودش و اولیایش اخطار می‌دادند و درنهایت روی میز می‌بستنش و با چوب‌تر او را کتک می‌زدند؛ و یا با خط کش به دست آن‌ها می‌زدند.» این مطلب را مصاحبه‌شونده‌های ۵، ۶ و ۱۰ نیز تأیید کردند.

مشق دادن: از دیگر روش‌هایی که معلمان در تدریس خود به کار می‌بردند استفاده از مشق، هم به عنوان یک روش برای آموزش و هم تنبیه دانش‌آموز بود. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ بیان کرد: «هشدار می‌دادند و مشق زیاد می‌دادند.»

تطبیق توسط اعضاء: در تبیین بخش‌هایی از روند کار، بعد از پیاده‌سازی و دسته‌بندی عوامل و راه‌کارهای پرسشگری، گزارش‌نهایی فرایند تحلیل و مقوله‌های به دست آمده برای تعدادی از مشارکت‌کنندگان ارسال می‌شد و یا به صورت حضوری مطالب به اطلاع آن‌ها می‌رسید. ۳. بررسی همکار: بهره‌بردن از نظر چند نفر از همکاران متخصص در این زمینه.

یافته‌ها

بخش اول: توصیف نظام آموزش ابتدایی میرزاها

در این بخش به توصیف نظام آموزشی میرزاها بنا بر تجارب و اطلاعاتی که از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی میرزاها به دست آمد پرداخته می‌شود.

۱. روش‌های آموزش در نظام آموزشی میرزاها

شرح تجارب زیسته‌ی فارغ‌التحصیلان دوره ابتدایی میرزاها، نکات و مفاهیم ارزشمندی از وضعیت آموزشی، فرهنگی و تربیتی آن دوره در اختیار می‌گذارد. یکی از این نکات که مورد توجه مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت مربوط به شیوه‌های آموزش در آن دوره و تدریس معلمان است. در ادامه به بررسی اظهارات مصاحبه‌شوندگان در رابطه با روش‌های آموزش و تدریس معلمان پرداخته می‌شود.

الف) روش تدریس معلمان

معلم محوری: یکی از ویژگی‌های روش تدریس معلمان عدم توجه به مشارکت دانش‌آموزان و معلم محوری است که مصاحبه‌شونده شماره ۸ بیان کردند: «روش درس دادن این‌طور بود که معلم‌ها فقط درس خودشان را می‌دادند و دانش‌آموز فهمیدنش با خودش بود که تلاش کند و خودش خواستار باشد.» مصاحبه‌شونده شماره ۴ و ۵ و ۷ نیز با این گفته‌ها موافق بودند.

استفاده از کارگروهی: از جمله ویژگی‌های روش تدریس معلمان که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند، استفاده کردن از کارگروهی در کلاس بود. در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۱ اظهار داشتند: «باهم متفاوت بود. همه از یک روش استفاده نمی‌کردند. بعضی از آن‌ها به صورت گروهی کار

۱. در میان تحصیل‌کردگان شش پایه قدیم (میرزاها)، استفاده از کلمه «مدیر» به جای «معلم»، شایع بود و منظور آن‌ها همان معلم بود.

الگو برداری می‌کردند. مصاحبه‌شونده شماره ۴ در این خصوص اظهار داشت: «کلاس خاصی نداشتیم. اما خط کتاب‌ها خیلی زیبا بود و سعی می‌کردیم مثل کتاب بنویسیم.»
توانایی در خواندن اما ناتوانی در نوشتن: بنا بر گفته‌های مصاحبه‌شوندگان دانش‌آموزانی بوده‌اند که می‌توانستند نوشته‌ها را بخوانند، اما توانایی نوشتن آن را نداشتند. این مسئله ناشی از اختلالات یادگیری یا عدم آموزش درست بود. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در این بابت این‌طور بیان کرده است: «افرادی بودند که تأکید بر خواندن داشتند. اما معلم به آن‌ها فشار می‌آورد و آن‌ها را توجیه می‌کرد که بنویسند.»
 مصاحبه‌شونده‌های شماره ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ این مطلب را تأیید کردند.

توانایی در نوشتن اما ناتوانی در خواندن: در مقابل، دانش‌آموزانی هم بودند که می‌توانستند بنویسند اما در خواندن دچار مشکل بودند. البته معلم باید دلیل این ناتوانی را جویا باشند و درصد کاهش و بهبود این مشکل باشند. مثلاً ممکن است ضعف در بینایی یا اختلال خواندن باعث این مشکل شود. مصاحبه‌شونده شماره ۸ نیز در این بابت بیان کرد: «بعضی از دانش‌آموزان خط زیبایی داشتند اما نمی‌توانستند بخوانند.»
 و مصاحبه‌شونده‌های ۷ و ۱۰ آن را تأیید کردند.

ج) نحوه‌ی ارزشیابی

از نظر سیف (۱۳۹۵) «ارزشیابی تعیین ارزش یک چیز یا ارزش داوری درباره آن چیز است.» با توجه به اینکه یادگیری فراگیران در دوره ابتدایی در ابعاد مختلف دانشی، نگرشی و مهارتی، زیربنای سایر یادگیری‌های آن‌ها است، لذا این امر ضرورت وجود نظام ارزشیابی مطلوب جهت سنجش تحقق یافتن این موارد را نشان می‌دهد (کرامتی و همکاران، ۱۴۰۰).
امتحانات کتبی و شفاهی: ارزشیابی یکی از مهم‌ترین مرحله‌های تدریس است و معلم در این مرحله عملکرد خود و دانش‌آموزان را می‌سنجد و برای مراحل بعدی و یا بهبود فرایند تدریس برنامه‌ریزی می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان کرد که «هم امتحان کتبی داشتیم و هم امتحان شفاهی. یاد می‌آید یک معلم داشتیم هر روز که باهاش کلاس داشتیم

جایزه دادن: از جمله روش‌های تدریس معلم در تشویق دانش‌آموزان استفاده از جایزه بود که در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۷ اظهار کرد: «دانش‌آموزهای زرنگ را تشویق می‌کردند. مثلاً کتاب داستان یا مداد و دفتر و یا عکس وزیر به آن‌ها می‌دادند.» این مطلب را همه مصاحبه‌شونده‌ها تأیید کردند.

تشویق لفظی: یکی دیگر از روش‌های تشویقی که معلم از آن بهره می‌بردند تشویق کلامی و لفظی مانند آفرین و یا دست زدن بود. در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره ۶ بیان کرد: «بیشتر با استفاده از دست زدن یا گفتن آفرین تشویق می‌کردند.» مصاحبه‌شونده ۵ نیز این گفته‌ها را تأیید کرد.

ب) وضعیت خواندن و نوشتن در نظام آموزشی میرزا

نکته‌ای که در مصاحبه با فارغ‌التحصیلان نظام آموزش ابتدایی میرزا جالب توجه بود شیوه‌ی خواندن و نوشتن دانش‌آموزان این نظام آموزشی بود که در اظهارات مصاحبه‌شوندگان بدان پرداخته شده است:

تمرین و تکالیف زیاد: می‌توان گفت که اگر در هر کاری تمرین و ممارست به خرج داد نتیجه‌ی مناسبی کسب خواهد شد؛ بنابراین کار نوشتن مستثنا از این قاعده نیست. مصاحبه‌شونده شماره ۵ در این بابت بیان کرده است: «علاقه قلبی دانش‌آموز و تکرار و تمرین باعث دستخط زیبا می‌شد. کلاس خاصی هم برای دستخط نداشتیم. تکالیف زیاد شاید روی دستخط تأثیر داشته باشد ولی در کل کار خوشایند و تأثیرگذاری نبود.» مصاحبه‌شونده‌های شماره ۸ و ۱۰ نیز این مطلب را تأیید کردند.

الگوگیری از خط زیبای قرآن: وجود یک الگو در انجام کارها باعث می‌شود کاری که انجام می‌شود شبیه به الگوی موردنظر یا بهتر از آن باشد. از آنجاکه کتاب مقدس قرآن با خط زیبا نوشته شده بود الگو و سرمشقی شد برای دانش‌آموزان و طبیعتاً دستخط‌ها زیبا بود. مصاحبه‌شونده شماره ۶ بیان کرد: «افرادی که پیش ملاها قرآن می‌خواندند سعی می‌کردند مثل خط قرآن بنویسند و تمرین می‌کردند.»

الگوگیری از کتب درسی: کتاب‌های نظام آموزشی قبل از انقلاب با خط زیبا نوشته شده بود و دانش‌آموزان از آن

از ما امتحان شفاهی می‌گرفت. مصاحبه‌شونده‌های شماره ۲، ۴، ۵، ۷، ۹ و ۱۰ این گفته را تأیید کردند.

جدول ۱.

روش‌های آموزشی دوره ابتدایی میرزاها

مفهوم	مقوله	تم
معلم محوری استفاده از کار گروهی	روش کار معلم	
تدریس فقط در سطح کتاب	سطح تدریس	
استفاده از تنبیه بدنی اطلاع به اولیا به‌عنوان تنبیه دادن مشق	استفاده از شیوه‌های تنبیه	فنون تدریس معلمان
جایزه دادن تشویق لفظی	استفاده از تشویق	
تمرین و تکالیف زیاد الگو از خط زیبای قرآن الگو از خط زیبای کتاب‌ها	علل دستخط زیبا	وضعیت خواندن و نوشتن
توانایی در خواندن اما ناتوانی در نوشتن توانایی در نوشتن اما ناتوانی در خواندن	دانش‌آموزان با ناتوانی‌های ویژه	
کتبی و شفاهی کتبی	تعیین شایستگی‌ها	ارزشیابی

۲. هدف آموزشی در نظام آموزشی میرزاها

در نظام آموزشی میرزا اهداف در دوره ابتدایی متناسب با وضعیت و امکانات آموزشی در آن زمان بوده که از منظر مصاحبه‌شوندگان به آن پرداخته شد.

یادگیری خواندن و نوشتن: توانایی خواندن و نوشتن هدف اصلی نظام آموزشی میرزاها محسوب می‌شد. به‌طوری‌که مصاحبه‌شونده شماره ۸ اظهار کرد: «هدف یادگیری سواد خواندن و نوشتن و توانایی خواندن کتاب گلستان بود. برای همین به هرکس که توانایی خواندن و نوشتن نامه‌ای را داشت میرزا می‌گفتند. بحث بر سر این نبود که تا چقدر خوانده است فقط باید بتواند بخواند و بنویسد.» این گفته‌ها را همه مصاحبه‌شونده‌ها تأیید کردند.

جدول ۲.

هدف آموزشی در نظام آموزشی میرزاها

مفهوم	مقوله	تم
هدف کلی در نظام آموزشی باسواد شدن	یادگیری خواندن و نوشتن	

۳. محتوای آموزشی در نظام آموزشی میرزاها

وضعیت نظام آموزشی دوران میرزاها کتب تدریس شده در آن و ماهیت دروس از عوامل مؤثر در نظام آموزشی دوره میرزا بوده است که به آن پرداخته می‌شود.

گلستان و سعدی: یکی از کتاب‌های تدریس شده در مدارس نظام آموزشی قدیم کتاب گلستان و بوستان سعدی بود. در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان کرد: «فارسی، علوم،

برای ترک تحصیل و ایجاد کج‌روی‌ها و مشکلات اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان در جامعه نیز است. اما امروزه ممنوع شدن تنبیه بدنی و کلامی تا حدودی سلامت جسمانی و روانی دانش‌آموزان را از سوی معلمان تأمین کرده است. تفاوت‌های دیگر، روش تدریس معلمان است. بدین‌صورت که در نظام آموزش ابتدایی میرزا از روش‌های تدریس سنتی و معلم محور مانند سخنرانی بیشتر استفاده می‌شده که یادگیری در بیشتر موارد سطحی بود. اما امروزه با توجه به سطوح یادگیری متفاوت در دانش‌آموزان روش تدریس‌های متفاوتی نیز وجود دارد و روش‌های تدریس فعال و دانش‌آموز محور جایگزین روش‌های سنتی و منسوخ شده‌اند و لذا یادگیری عمقی‌تر شده است. البته ناگفته نماند که این روش‌ها نیز به‌ندرت توسط معلمان اجرا می‌شود و تا رسیدن به یادگیری فعال و مطلوب فاصله دارند و خواهان اجرای جدی و مداوم آن‌ها است. یکی دیگر از تفاوت‌ها در روش آموزشی مربوط به سیستم ارزشیابی در دو نظام میرزا و کنونی است؛ به‌طوری‌که در نظام آموزشی میرزا ارزشیابی به‌صورت کمی و نمره دهی و همراه با قضاوت و تمسخر دانش‌آموزانی که نمره کم گرفته‌اند بود. حافظه محوری ملاک برتری بود و دانش‌آموزانی که نمره کسب نمی‌کردند به‌عنوان دانش‌آموزان بی‌استعداد قلمداد می‌شدند و برچسب‌های نامناسبی از سوی همکلاسی‌ها، دوستان، والدین و معلمان می‌گرفتند که تخریب شخصیتی دانش‌آموز را به همراه داشت و این امر، یعنی تلاش برای تقویت هوش کلامی و ریاضی و عدم توجه به هوش‌های چندگانه، در نظام آموزش ابتدایی کنونی تا حدودی رفع شده است. در نظام آموزشی کنونی ارزشیابی به‌صورت توصیفی است و از نقاط قوت آن می‌توان به «کار گروهی، کاهش رقابت، حذف اضطراب امتحان و افزایش مشارکت دانش‌آموزان در بحث و گفت‌وگو اشاره کرد» (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). بدین منظور نیز روش‌های گوناگونی از جمله استفاده از پوشه کار، مشاهده عملکرد دانش‌آموز برای ارزیابی دانش‌آموزان در حیطه‌های دانش، نگرش و مهارت وجود دارد. هم‌چنین فشار روانی ناشی از ارزشیابی کمی در ارزشیابی توصیفی کمتر شده است. از

تاریخ، جغرافیا، شرعیات (کتاب کوچکی بود)، قرآن نداشتیم، در کتاب‌های درسی هم قسمت‌هایی از گلستان و بوستان بود.» این مطلب را مصاحبه‌شونده‌های شماره ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹ و ۱۰ تأیید کردند.

شبیه کتاب‌های کنونی: کتاب‌هایی که در نظام آموزشی قدیم تدریس می‌شده اغلب کتاب‌هایی با اسم کتاب‌های امروزی بوده است. مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان داشت: «کتاب‌های ما با الآن فرق زیادی نکرده، از نظر محتوایی چرا، محتوای آن‌ها عوض شده، ولی اسم و تعداد کتاب‌ها نه، تغییر آن‌چنانی نکرده است.» این مطلب را همه مصاحبه‌شونده‌ها تأیید کردند.

شرعیات: یکی از درس‌ها که در مدارس تدریس می‌شد مربوطه به احکام و شرعیات بوده است. مصاحبه‌شونده شماره ۹ اظهار کرد: «کتاب‌های شرعی» جزو کتاب‌های تدریس شده در مدارس بودند. مصاحبه‌شونده شماره ۷ نیز با این گفته‌ها موافق است.

جدول ۳. محتوای آموزشی دوره‌ی ابتدایی میرزاها

تم	مقوله	مفهوم
		شبیه کتاب‌های کنونی مدارس
کتاب تدریس شده	محتوای دروس	گلستان و بوستان شرعیات

بخش دوم: مقایسه «نظام آموزشی میرزاها» و «نظام آموزش ابتدایی کنونی» از منظر روش آموزشی، هدف آموزشی و محتوای آموزشی

از منظر روش آموزشی، هردو نظام در برخی از روش‌های تدریس، شیوه‌های تشویق رفتارگرایی، ارزشیابی کتبی و شفاهی و ناعدالتی‌های آموزشی تا حدودی شباهت‌هایی به هم دارند که البته کم و کیف استفاده از آن‌ها بسته به محتوای آموزش آن‌ها در هریک تفاوت دارد.

یکی از تفاوت‌هایی که در روش آموزشی این دو نظام وجود دارد تنبیه فیزیکی است؛ در صورتی که تنبیه کردن ضمن اینکه یادگیری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد، عاملی

۱. باتوجه به نظر مصاحبه‌شوندگان، اگرچه قرآن در میان کتاب‌های درسی نبود، اما اکثر آنان نزد ماموستاهای آئینی درس قرآن می‌خواندند و از این طریق با خط قرآن آشنایی داشتند.

است؛ و در هر دو نظام تناسب محتوا با موقعیت جغرافیایی رعایت نشده است. اما آنچه حائز اهمیت است این است که در نظام آموزشی میرزا تدریس محتوا در سطح کتاب‌های تعیین‌شده صورت می‌گرفت و اهمیتی به تناسب محتوای کتاب‌ها با موقعیت جغرافیایی داده نمی‌شد و بیشتر در حیطه‌ی دانشی بود. در صورتی که در نظام آموزش ابتدایی کنونی با توجه به نیاز فراگیران در یک زمینه معلم می‌تواند طراحی آموزشی کند و محتوای متناسب با دانش‌آموزان خود را طراحی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تحلیل دیدگاه فارغ‌التحصیلان «نظام آموزشی میرزاها» از جنبه‌های روش آموزشی، هدف آموزشی و محتوای آموزشی و مقایسه آن با «نظام آموزش ابتدایی کنونی» بود.

در پاسخ به سؤال نخست دال بر این که «با توجه به نگرش میرزاها، وضعیت «نظام آموزشی میرزاها» از جنبه‌های روش آموزشی، هدف آموزشی و محتوای آموزشی را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟» یافته‌ها حاکی از این است که از منظر روش آموزشی دارای سه تم، هفت مقوله و ۱۵ مفهوم است. از منظر هدف آموزشی دارای یک تم، یک مقوله و یک مفهوم است؛ و از منظر محتوای آموزشی دارای یک تم، یک مقوله و سه مفهوم است.

بنا بر اظهارات مصاحبه‌شوندگان، روش‌های آموزشی نظام میرزاها در رابطه با مواردی از جمله روش تدریس معلمان، مشکلات تحصیل، شیوه‌های تشویق و تنبیه بود. بنا بر اظهارات آنان، مشکلاتی که در تحصیل وجود داشتند بسیار بیشتر از محرک‌های انگیزاننده‌ی تحصیل بودند. از طرفی، نظام آموزشی میرزاها دارای آسیب‌ها و موانع خاص آن زمان نیز بوده است. چراکه وجود موانعی مانند کمبود مدارس و امکانات تحصیل و مشکلات اقتصادی، بی‌اهمیت بودن سوادآموزی نزد خانواده‌ها و نبود رابطه‌ی عاطفی و محبت‌آمیز بین معلم و دانش‌آموزان تحصیل را با چالش‌هایی مواجه می‌کرد که

طرفی می‌توان گفت معلمان در نظام گذشته بیشتر روی دانش و انتقال صرف اطلاعات تأکید داشتند و به نقش الگویی خود و تربیت در کنار آموزش توجهی نداشتند. در صورتی که انسان دارای ابعاد مختلفی است و توجه به آن‌ها ضروری است؛ بنابراین در نظام آموزشی کنونی ساحت‌های تربیتی شش‌گانه‌ای (اعتقادی، عبادی، اخلاقی، ۲. زیستی و بدنی، ۳. زیبایی‌شناختی و هنری، ۴. اقتصادی و حرفه‌ای، ۵. علمی و فناوری، ۶. اجتماعی و سیاسی) برای دستیابی افراد به حداکثر ظرفیت خود طراحی و تدوین شده‌اند. اگرچه انتظار می‌رود که تنها به تعیین هدف و خط‌مشی گذاری اکتفا نشود و قبل از آن زیرساخت‌های لازم برای دستیابی به این هدف‌ها پایه‌گذاری شود.

از منظر هدف آموزشی، با توجه به تفاوت‌های اساسی که در دو نظام میرزا و کنونی وجود دارد و رشد سریع فناوری و ارتباطات در دنیای کنونی اهداف آن‌ها نیز متناسب با سطح انتظارات تغییر کرده است. به طوری که در نظام آموزشی میرزا هدف باسواد شدن به معنی توانایی خواندن و نوشتن بود که به تبع آن نیز آموزش‌ها حول این هدف انجام می‌شد و بعد تربیتی، اخلاقی، سیاسی، زیستی، اقتصادی، هنری و اجتماعی دانش‌آموزان چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. در صورتی که در نظام آموزشی کنونی هدف پرورش استعدادها و قابلیت‌های بالقوه کودکان و رساندن آن‌ها به حداکثر ظرفیت خودشان است که به منظور جهت‌دهی به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان و رساندن آنان به قابلیت‌های بالقوه خود، دستیابی آنان به اهداف هشت‌گانه‌ی اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، زیستی، اقتصادی، هنری، اجتماعی و علمی ضروری است.

از منظر محتوای آموزشی، ماهیت برخی از دروس مانند ریاضی، فارسی، قرآن و دروس عملی مانند هنر و ورزش در دو نظام مشابه‌اند و محتوای آن‌ها تا حدودی مشابهت‌هایی به هم دارد. به عنوان مثال، در هر دو نظام محتوا با ویژگی‌های سنی و جنسیتی و هم‌چنین قدرت درک و فهم دانش‌آموزان متناسب چندان‌ی ندارد. در توجه به مهارت‌های چگونه زیستن و تقویت مهارت‌های ضروری قرن حاضر مانند مهارت حل مسئله و تفکر نقاد در محتوای کتاب‌های هر دو نظام کم‌توجهی شده

روش‌های ارزشیابی و تنبیه شدن به سمت بهتر شدن پیش رفته‌اند و از عواقب و آسیب‌هایی که در روش‌های نظام آموزشی میرزاها به دنبال داشته کاسته شده است. اما این به معنی کامل و بی‌نقص بودن روش‌های کنونی نیز نیست و هنوز جای کار و پژوهش دارند؛ هم چنانکه «بررسی‌ها نیز نشان داده که ارزشیابی در نظام آموزشی کشور بیشتر بر آزمون‌های سنتی تکیه دارد که این روش بر نقاط ضعف آزمون‌شونده تأکید دارد و نسبت به پیشرفت دانش‌آموزان حساس نیست» (محمودی و همکاران، ۱۳۹۵).

از منظر هدف آموزشی، بنا بر تغییر و تحولات عصر مدرن مسلماً هدف‌ها در دو نظام آموزش ابتدایی میرزاها و امروزه باهم تفاوت دارند. در نظام آموزشی میرزاها رسیدن به حد مطلوبی از خواندن و نوشتن کافی بود و تنها عده‌ی محدودی موفق به کسب آن می‌شدند. اما امروزه این نوع سواد جای خود را به معنای گسترده‌تری از آن داده است و رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان را مدنظر دارد. اما با وجود تعیین هدف سطح بالاتر در نظام آموزش ابتدایی امروزه خروجی کارآمدی عاید آن نیست. لذا می‌توان اظهار کرد که صرفاً تعیین هدف کافی نیست بلکه اتخاذ رویکردهایی نیز برای دستیابی به هدف یک گام ضروری برای وصول به هدف تعیین شده است.

در نهایت از منظر محتوای آموزشی، هر دو نظام در محتوای کتاب‌هایشان کم‌توجهی کرده و تناسب محتوا با نیازهای دانش‌آموزان در مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی، سطح یادگیری دانش‌آموزان، جنسیت و محیط جغرافیایی در سطح پایینی است. بخشی از این یافته‌ها با یافته‌های رون (۱۳۹۰) هم‌سویی دارد؛ چراکه بیان کرده است که محتوای کتاب‌های درسی (دوره ابتدایی نظام آموزش ایران) در توجه به برخی از شاخص‌ها مانند تناسب محتوا با قدرت درک و فهم دانش‌آموزان به‌ویژه در کتاب‌های علوم، ریاضی و دینی، کم‌توجهی به تربیت اجتماعی و اخلاقی، مهارت برخورد صحیح با مسائل اجتماعی، مهارت‌های تفکر، نیازهای محلی و جهانی و غیره در حد متوسط یا ضعیف بوده است.

در نهایت منجر به ترک تحصیل و یا بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان به ادامه‌ی تحصیل شده است.

از جمله هدف‌هایی که از اظهارات مصاحبه‌شوندگان به دست آمد این است که هدف اصلی نظام آموزشی میرزاها باسواد شدن به معنی کسب توانایی خواندن و نوشتن و تربیت دانش‌آموزانی تک‌بعدی که فقط توانایی ریاضی و حفظ کردن داشته باشند بود؛ که بیانگر در حاشیه بودن بعد اخلاقی و شخصیتی دانش‌آموزان و تأکید بر توانایی خواندن و نوشتن بوده است و سایر ابعاد نگرشی، مهارتی و عاطفی را مورد توجه قرار نداده است.

هم‌چنین، محتوای آموزشی در نظام آموزشی میرزاها شامل انواع کتب درسی و محتوای آن‌ها است. لذا یافته‌های این قسمت حاکی از این است که کتاب‌هایی مانند ریاضی، فارسی، علوم و قرآن به‌علاوه‌ی کتاب‌های دیگری مانند گلستان سعدی و کتاب شریعت که خاص آن دوره بوده، کتب درسی دانش‌آموزان را تشکیل می‌داده و با توجه به کتاب‌ها و محتوایی که برای این دوره در نظر گرفته شده و سطح فرهنگی و موقعیت‌های جغرافیایی متفاوت محتوای این دوره به نظر می‌رسد از سطح مطلوبی برای دانش‌آموزان برخوردار نیست. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش تحت عنوان چگونه می‌توان وضعیت «نظام آموزشی میرزاها» را از منظرهای روش آموزشی، هدف آموزشی و محتوای آموزشی با «نظام آموزش ابتدایی کنونی» مقایسه نمود؟ یافته‌ها حاکی از این است که در نظام آموزش ابتدایی امروزه هم با وجود امکانات و پیشرفت‌های فزاینده‌ای که در حوزه‌های مختلفی از جمله حوزه‌ی فرهنگی، اجتماعی و آموزشی صورت گرفته، اما تحولات آن‌چنانی در روش‌های آموزش و یادگیری صورت نگرفته و یادگیری همچنان سطحی و با چالش‌هایی مواجه است و این را می‌توان در خروجی نظام آموزشی کنونی هم مشاهده نمود. لذا می‌توان گفت که از لحاظ رسیدن به سطح مطلوب یادگیری و میزان توجه به مهارت‌های ضروری قرن حاضر از جمله تفکر انتقادی، تفکر خلاق و حل مسئله دو نظام تا حدود زیادی به هم شباهت دارند و در سطح پایینی هستند. البته شایان توجه است که برخی از روش‌های آموزش مانند

پیشنهادهای پژوهشی

نظام آموزشی مستلزم بررسی همه ابعاد آن اعم از روش، هدف و محتوای آموزشی است که هر یک از آن‌ها خود حوزه‌ی جداگانه‌ای می‌طلبد. لذا از آنجاکه در پژوهش حاضر مجال بررسی هر یک از ابعاد مذکور به تفکیک وجود نداشت و مطالب به صورت گسترده مورد بحث قرار نگرفت، از این رو به پژوهشگران علاقه‌مند در حوزه‌ی علوم تربیتی پیشنهاد می‌شود تا به صورت جداگانه به بررسی چالش‌ها و راهکارهای تقویت هر یک از ابعاد روش، هدف و محتوای آموزشی بپردازند و به طور وسیع موضوع باز شود و مورد پژوهش قرار گیرد. همچنین تطبیق بین نظام‌های آموزشی کنونی، مانند نهضت سوادآموزی، آموزش بزرگسالان، کودکان استثنایی و... نیز می‌تواند از محورهای پژوهش تطبیقی برای بهبود کیفیت آن‌ها باشد. هم‌چنین در زمینه شفاف‌سازی مشکلات نظام آموزشی کنونی به بررسی و مقایسه نظام آموزشی کنونی با دیگر نظام‌های آموزشی توسعه‌یافته پرداخته شود تا عامل موفقیت و توسعه آنان مشخص شده و ایده پردازان حوزه تعلیم و تربیت نقاط ضعف موجود در نظام‌های آموزشی دیگر را در نظام آموزشی کنونی کم‌رنگ و حذف کنند و نقاط مثبت را بسط دهند.

سیاسگزاری

از تمام مصاحبه‌شونده‌ها برای پاسخ به سؤالات نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارد.

منابع

- آتشک، م. (۱۳۸۸). کارایی داخلی دوره ابتدایی استان‌های کشور. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۵ (۳)، ۹۶-۵۵.
- اسدپور، ا. (۱۳۹۷). بررسی روابط میان آموزش و پرورش، پژوهش و توسعه اقتصادی. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۲، ۸۸۵-۸۹۹.

در انجام این پژوهش محدودیت‌هایی وجود داشت. از جمله می‌توان به دسترسی محدود به تعداد کم دانش‌آموخته‌های نظام آموزشی میرزاها و فراموشی بعضی از مسائل موجود در آن نظام آموزشی توسط دانش‌آموخته‌ها اشاره کرد. از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر، طولانی بودن سؤالات و مدت زمان زیاد مصاحبه بود که چون مصاحبه‌شونده‌ها مسن بودند سعی شد سؤالات خلاصه شوند. همچنین عدم انجام پژوهش‌های مشابه در این زمینه یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر است.

پیشنهادهای کاربردی

از آنجاکه پژوهش حاضر در حوزه‌ی تعلیم و تربیت و در رابطه با شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام آموزشی ابتدایی کنونی است لذا به مؤلفان و برنامه ریزان نظام آموزشی پیشنهاد می‌شود تا دقت نظر بیشتری در تولید محتوای کتاب‌های دوره ابتدایی متناسب با ویژگی‌های سنی و جغرافیایی دانش‌آموزان هر منطقه داشته باشند. هم‌چنین نظام آموزش و پرورش برای حل مشکلات و چالش‌های موجود در نظام آموزش کنونی و ارتقای آن شایسته است که فرصت‌ها و زیرساخت‌های لازم برای رشد و بالندگی دانش‌آموزان در این دوره را فراهم کند و کنترل و نظارت بیشتری روی تحقق اهداف این دوره صورت گیرد. هم‌چنین با توجه به نقش کلیدی معلمان در نظام آموزشی شایسته است معلمان با الگوگیری از نقاط قوت نظام آموزشی میرزاها و مرتفع کردن چالش‌های نظام آموزشی کنونی و هم‌چنین ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای خود در پیشرفت و تحول نظام آموزشی سهم باشند به علاوه بهره‌وری از روش پژوهش‌های تاریخی، تطبیقی، روایت پژوهی، انتقادی، در کنار روش پژوهش تطبیقی می‌تواند بر غنای چالش‌شناسی آموزش‌های کنونی بیفزاید. سرانجام، تمام این حالات در مورد مقایسه نظام‌های آموزشی قدیمی با دیگر مقاطع تحصیلی رایج در کشور، مانند متوسطه اول و دوم و هم‌چنین، نظام آموزش دانشگاهی و تحصیلات تکمیلی نیز کاربست داشته باشد.

فراهانی، ع.، نصرافهانی، ا. و شریف، م. (۱۳۹۱). ارزیابی شیوه‌های انتخاب معلمان ابتدایی در نظام آموزش و پرورش کشور. *فناوری آموزش*، ۶ (۴)، ۲۳۳-۲۳۴.

کرامتی، ا.، رحیمی، م. و افرا، ر. (۱۴۰۰). شناسایی چالش‌ها و راهکارهای ارزشیابی مؤثر از یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی در نرم‌افزار شاد توسط نومعلمان. *آموزش و ارزشیابی*، ۱۴ (۵۶)، ۱۰۲-۶۹.

محمودی، ف.، عبدالله زاده، م.ت. و منصورزاده، م. (۱۳۹۵). کاربرد ارزشیابی فرایندی در مدارس ابتدایی (مطالعه موردی آموزش و پرورش منطقه ممقان). *آموزش و ارزشیابی*، ۹ (۳۴)، ۶۲-۵۱.

References

- Aatashak, M. (2009). The internal efficiency of elementary schools in different Iranian provinces. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education*, 5 (3), 55-96. [In Persian]
- Aghazadeh, A. (2011). *Comparative education*. 11th edition. Tehran: samt. [In Persian]
- Aghazadeh, A., & Armand, M (2013). *History of education in Iran (with a focus on the contemporary education developments)*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Alagheband, A. (2011). The basics of educational management. 6th edition. Tehran: Rovani Publishing House. [In Persian]
- Asadpour, A. A. (2018). The study of the relationship between education, research and econom development. *Journal of Research in Educational Science*, 12 (Special Issue), 885-899. [In Persian]
- Farahani, A.R., Nasr Isfahani, A.R., & Sharif, S.M. (2012). Study Methods of Elementary School Teachers Selection in Education System. *Technology of Education Journal*. 6 (4), 223-234. [In Persian]
- Keramati, E., Rahimi, M., & Afra, R. (2022). Investigating the Challenges and Solutions for Doing an Effective Evaluation of Primary School Students by New Teachers in Shad Software. *Journal of Instruction and Evaluation*, 14 (56), 69-102. [In Persian]
- Maher, F., Aghaei, A., Borj Ali, A., & Rouhani, A. (2007). Descriptive evaluation with the traditional system based on the classroom atmosphere, emotional characteristics and the level of creativity of elementary school students. *Knowledge and research in educational sciences*, 14 (14), 71-92. [In Persian]
- Mahmoudi, F., Abdolazadeh, M. T., & Mansourzadeh, M. (2015). The application of process evaluation in primary schools (a case study of education in Mamqan region). *Education and Evaluation (Educational*
- Ramezani, G., Mehni, O., & Azizi, N. (2018). The Challenges of the Adult Education and Solutions for Improvement: Grounded theory. *Journal Strategic studies of public policy*, 8 (29), 115-134. [In Persian].

- آقازاده، ا. (۱۳۹۰). *آموزش و پرورش تطبیقی*. چاپ یازدهم. تهران: سمت.
- آقازاده، ا. و آرمند، م. (۱۳۹۲). *تاریخ آموزش و پرورش ایران با تأکید بر تحولات تربیتی دوره معاصر*. تهران: سمت.
- رضیانی، گ.، مهنی، ا. و عزیزی، ن. (۱۳۹۷). چالش‌های آموزش بزرگسالان و راهکارهایی جهت بهبود: پژوهش زمینه‌ای مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸ (۲۹)، ۱۳۴-۱۱۵.
- رون، ا. (۱۳۹۰). میزان رعایت معیارهای عام در انتخاب و سازمان‌دهی محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی نظام آموزش و پرورش ایران. *مطالعات برنامه درسی ایران*، ۶ (۲۲)، ۹۷-۱۱۶.
- سمیع‌زاده، ح.، زاهد بابلان، ع.، معینی کیا، م. و خالق‌خواه، ع. (۱۳۹۹). تدوین الگوی مناسب کیفیت اجرای نظام آموزشی ۳-۳-۶ در دوره اول متوسطه استان کهگیلویه و بویراحمد. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۴، ۱۹۲-۱۷۹.
- سمیعی درونه، ر. (۱۳۹۴). اصول و اهداف آموزش و پرورش ابتدایی. *کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی*، دوره ۲: صص: ۷۲۶-۷۱۸.
- سیف، ع.ا. (۱۳۹۵). *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*. ویراست ۷. تهران: دوران.
- شیخی، م. (۱۳۸۳). آموزش بزرگسالان ضرورت حیاتی قرن حاضر. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۱۵۲، ۴۲. <http://ketabdarivait.blogfa.com/post/۲۳> (تاریخ دسترسی: ۱۱ آبان ۱۴۰۱)
- صافی، ا. (۱۳۹۳). *آموزش و پرورش ابتدایی، دوره اول و دوم متوسطه*. چاپ پانزدهم، ویرایش چهارم. تهران: سمت.
- صالحی، ک.، بازرگان، ع.، صادقی، ن. و شکوهی یکتا، م. (۱۳۹۴). تحلیل پدیدارشناسانه ادراک و تجربه زیسته معلمان مدارس ابتدایی از نقاط ضعف و قوت برنامه ارزشیابی توصیفی. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۹ (۳۱)، ۶۸-۱۹.
- صباغیان، ز. و اکبری، س. (۱۳۹۵). *مبانی آموزش بزرگسالان*. تهران: سمت.
- علاقه‌بند، ع. (۱۳۹۰). *مقدمات مدیریت آموزشی*. ویراست ششم. تهران: نشر روان.

- Samizade, H., zahed babelan, A., Moinkia, M., & Khaleghkhah, A. (2020). Developing an Appropriate Quality Model for Implementation of the Educational System of 3-3-6 First High School in Kohgiluyeh and Boyerahmad Province. *Journal of research in educational science*, 14, 179-192. [In Persian]
- Samie Daroneh, R. (2015). Principles and objectives of primary education. Second National Conference on Psychology and Educational Sciences Of Azad University Islamic, 2, 718-726. [In Persian]
- Sheikhi, M. (1383). Adult education is a vital necessity of this century. *Cooperative and Agriculture Quarterly*, 152, 42. <http://ketabdarivait.blogfa.com/post/23>(access date: 11 November 2022). [In Persian]
- Ravan, A. (2011). Study of the criteria for selection and organization the content of textbooks at primary stage in Iran Educational system. *Journal of Curriculum Studies*, 6 (22), 97-116. [In Persian].
- Sabbaghian, Z., & Akbari, S. (2016). The Foundation of adult education. Tehran: Samt. [In Persian].
- Safi, A. (2014). Primary School, The 1st & 2nd Grades of Secondary School. 4th Edition: Completely Revised. Tehran: samt. [In Persian].
- Saif, A.A. (2017). *Modern Educational Psychology: Psychology of learning and instruction*. Seventh Edition, Tehran: Dowran. [In Persian].
- Salehi, K., Bazargan, A., Sadeghi, N., & Shokuhi Yekta, M. (2015). Phenomenological analysis of the perception and experience of elementary school teachers' lives of the weaknesses and strengths of the appraisal-